

سرزمین مادری (مصطفی دانشگر):  
«توقف صدور انقلاب؛ بازگشت عقلانیت به سیاست خارجی؟!»

مصطفی دانشگر

" ما نه در فکر کشورگشایی هستیم و نه در فکر صدور انقلاب به جایی. " این جمله یکی از کلیدی‌ترین اظهارات دکتر پزشکیان در کنفرانس خبری روز گذشته بود. از نگاه بازیگران مهم منطقه‌ای در خاورمیانه به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس سیاست صدور انقلاب، عمق استراتژیک و فتح پنج پایتخت عربی یکی از چالشهای عمده این کشورها در تنظیم مناسباتشان با جمهوری اسلامی بوده است. گرم شدن روابط کشورهای عربی با اسرائیل که پس از بهار عربی و حمایت ایران از نظام اسد در جریان جنگ داخلی سوریه، حمایت از معترضان بحرینی و دخالت در ناآرامی‌های منطقه شرقیه عربستان شتاب گرفت، در حقیقت واکنشی به بازگشت ایران به سیاست صدور انقلاب بود. پیام این رویکرد جمهوری اسلامی به کشورهای عرب منطقه آن بود که جمهوری اسلامی پس از نزدیک به دو دهه عقب نشینی از سیاست‌های منطقه‌ای مداخله جویانه خود در سالهای نخست پس از انقلاب، بار دیگر سیاست صدور انقلاب را از منظری متفاوت و برای توسعه جغرافیای نبرد میدانی با ایالات متحده در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است.

• عراق نیست اگر گفته شود سیاست صدور انقلاب به ویژه با توجه به اختلافات دیرینه مذهبی و ملی میان ایران و همسایگان عربش در عمل مهمترین عامل تحریک‌کننده کشورهای عرب منطقه در از سرگیری روابطشان با اسرائیل بوده است. سیاست صدور انقلاب و نمود میلیتاریستی آن در قالب تأسیس، آموزش و حمایت از شبه نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در کشورهای عرب منطقه از سوریه تا لبنان و یمن و عراق اسباب برجسته شدن خطر ایران شیعه فارسی در افکار عمومی این کشورها را فراهم آورده است. بر اساس این روایت جمهوری اسلامی بواسطه تلاش بر صدور انقلاب از اسرائیل هم خطرناکتر دانسته شده و مهار آن توجیه‌گر عبور از مهمترین خط قرمزهای جهان عرب یعنی عادی سازی روابط با اسرائیل بوده است.

• رییس جمهوری پیشین ایالات متحده یکی از کسانی بود که با درک چنین حساسیتی توانست قراردادهای امنیتی-اقتصادی عربستان سعودی با کشور متبوعش را بواسطه ایران‌هراسی پیش ببرد. وی در جریان سفر خود به عربستان سعودی با اشاره به تمایلات کشورگشایانه جمهوری اسلامی نسبت به از دست رفتن زبان و هویت کشورهای عربی در صورت غیبت ایالات متحده از منطقه هشدار داد. هر چند این تهدید ضمنی کشورهای عربی در داخل ایران بخصوص در میان هواداران راهبرد صدور سخت انقلاب اسلامی با اتکا به نظامی‌گری به عنوان موفقیت قلمداد شد، اما در عمل نتیجه‌ای جز محکم‌تر شدن پیوندهای اقتصادی و امنیتی ایالات متحده و اسرائیل با این کشورها نداشت.

• نگاهی به تاریخچه عملیاتی شدن این سیاست نشان می‌دهد که این سیاست در عمل انزوای منطقه ای ایران و تلاش متقابل بازیگران مهم منطقه در جهت دامن زدن به تنش‌های داخلی در کشور را در پی داشته است. در بحبوحه اجرای این سیاست ولی عهد عربستان سعودی در اظهار نظری بی سابقه آشکارا از کشتادن جنگ به درون مرزهای ایران سخن گفت. اظهاراتی که با توجه به رویه محافظه کارانه پادشاهی سعودی در زمان خود آفندی ارزیابی شد. در میدان هم، عربستان سعودی در واکنش به مداخله جویی‌های جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن سیاست‌های رسانه‌ای تهاجمی عملاً بی ثبات سازی داخلی ایران را در دستور کار خود قرار داد. در نهایت جمهوری اسلامی پس از پرداخت هزینه‌ای نه چندان اندک ناچار به توافق با عربستان سعودی برای کنترل موقت برخی بحران‌های خود شد.

• در عرصه جهانی نیز عربستان سعودی با همراه کردن امارات متحده عربی توانست لابی قدرتمندی بر علیه برجام را سامان داده و با همراهی اسرائیل از یک طرف و بد اقبالی تاریخی انتخاب ترامپ به عنوان رییس جمهور ایالات متحده زمینه‌های بازگشت تحریم‌های بین المللی و انزوای هر چه بیشتر ایران را فراهم آورد. این تبادل آتش دیپلماتیک و رسانه ای در مواردی از جمله حمله حوثی‌های یمن به تأسیسات نفتی آرامکو تا آستانه درگیری‌های نظامی هم پیش رفت. میانجی‌گری دیگر بازیگران منطقه ای اگر نبود این تنش می‌توانست به جنگی تمام عیار در منطقه منتهی شود.

• ارزیابی فشرده پیامدهای سیاست صدور انقلاب طی دست کم یک دهه گذشته حاکی از این واقعیت است که از منظر منافع ملی این سیاست برای ایران رهاوردی جز اتلاف منابع، انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی و در نهایت از دست دادن فرصتهای توسعه نداشته است. از سوی دیگر هزینه این سیاست از بُعد اسلامی نیز چیزی جز دور شدن دو کشور مسلمان و نقض مودت و برادری میان دو کشور بزرگ مسلمان و از این منظر برخلاف نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی مبنی بر ضرورت تنظیم سیاست خارجی کشور بر پایه "تعهد برادرانه به همه مسلمانان" است.

• توجه رییس جمهور جدید ایران به این مسأله و اشاره به آن در نخستین کنفرانس مطبوعاتی اگر ناشی از وقوف نظام به این پیامدهای ویرانگر این سیاست بویژه در سایه تحولات مهیب پس از هفت اکتبر باشد و در عمل هم به توقف سیاست صدور انقلاب منتهی شود، می‌تواند امیدها به بازگشت عقلانیت مبتنی بر منافع ملی در سیاست خارجی کشور و فاصله گرفتن از سیاست‌های حساسیت برانگیز در منطقه را احیا کند.